

پاییز رنگین و بهار بهار

نوجوانان

از دکتر مهدی کی‌نیا استاد دانشگاه

مسکن خانوادگی نمودار سطح اجتماعی و اقتصادی والدین است که در حد وسیعی به محیط اکولوژیک اجتناب ناپذیر مربوط است. (۱)

والدین با انتخاب، محل جغرافیایی مسکن خویش، اطرافیان اجتماعی کانون خانواده خود را در هیأت اجتماع نیز تعیین میکنند و موقعیت کانون خانوادگی به نوبه خود درحد وسیعی به برخورد کودک با انواع الگوها و سرمشقه‌های رفتار دامن زده و از این رهگذر اثراتی خوب یا بد در تکوین شخصیت این موجودات نقش پذیر از خود به یادگار میگذارد.

اگر کانون خانواده در منطقه‌ای قرار گرفته باشد که بروز بزهکاری در آن فراوان باشد احتمال برخورد کودک با نمونه‌های متعددی از بزهکاری بیشتر است تا اینکه کانون خانواده در منطقه‌ای قرار گرفته باشد که وقوع جرم در آن منطقه به ندرت صورت

گیرد. به عبارت دیگر احتمال برخورد با بزهکاری نسبت مستقیم با فراوانی آن دارد. همچنین تعلق به یک طبقه پست اجتماعی و اقتصادی ممکنست انعکاس و اثر فوق‌العاده مهمی در کودک نسبت به پدرش و یا خودداری از قبول ارزشهای غالب جامعه داشته باشد (۲)

در مورد مسکن خانواده باید ساکنان، وضع ظاهر، ارزش و طبع آنرا در نظر گرفت. آقای لافون و دوشیزه می‌شو (۳) در شهر گرونویل فرانسه، درباره مسکن، محله، شهر و ناسازگاری نوجوانان همان شهر به مطالعه پرداختند. ایسن دو پژوهشگر این نکته را روشن ساختند که بزهکاری نوجوانان و ناسازگاری آنان به طور کلی یک تابع محلی است و اغلب آنرا باید در محله‌هایی که از خانه‌های محقر و ناسالم تشکیل شده و کوی کارگری مشاهده نمود.

ساکنان منزل - ساکنان منزل، مسأله



کوشی در اخفای روابط جنسی خود به کار
 نمیبرند و ابائی ندارند که کودکان آشکارا
 تماشاگر این قسمت از زندگی آنان باشند .
 یک کاشانه محقر، یعنی جائیکه اغلسب
 برادران و خواهران ، یا والدین و فرزندان
 در یک بستر به سر میبرند ، حتی اگر هیچیک
 از این نگون بختان مبتلی به هیچیک از
 عوارض پسکو پاتولوژیک هم نباشند ، گاهی
 از اوقات ، این همخوابگی ها متأسفانه زنا
 با محارم را در پی دارد . (ع)

تراکم و انبوهی جمعیت و کثرت عائله ، نتایج
 احتمالی عاطفی و تربیتی آنرا مطرح میسازد .
 عدم کفایت مسکن ممکنست آثار
 نامطلوبی در برداشته باشد و به ویژه امکان
 دارد آثار شومی در حیات جنسی کودکان باقی
 گذارد . در کانونیکسه بزرگ سالان با
 کودکان خود ناگزیر ، شب را در یک اطاق
 به سر میبرند چه بسا اتفاقی می افتد که این
 کودکان به آسانی شاهد اعمال جنسی گردند .
 حتی گاهی در بعضی از خانواده های بی بند و
 بار ، به ویژه اگر پدر الکلیک باشد ، والدین

تحقیقات مرکز ووکرسون فرانسه ۲۲/۴
درصد موارد بزهکاری را ناشی از کثرت
جمعیت داخلی منزل اعلام کرده است .

کوی کارگری و محلاتیکه از خانه های
محقر و ناسالم تشکیل شده به طور کلی کانون
بزهکاری نوجوانان شناخته شده و از مقایسه
این دو محله چنین برمیآید :

کثرت جمعیت در محلاتیکه از خانه های
محقر و ناسالم تشکیل شده سه برابر جمعیت
کوی کارگری است . مع هذا کودکان این دو
ناحیه به یک نسبت مرتکب بزه میگردند .

کثرت جمعیت در نظر آقای پی ناتل در
این دو محله دارای یک نقش نیست و برای
آن اهمیت درجه دوم قابل است . (۵)

بدیهی است همیشه منحصرأ کثرت عائله
در یک خانواده و به سر بردن در یک کاشانه
محقر مشکلات و فجایعی را در بر ندارد ؛

سیستم زندگی در مؤسسات شبانه روزی نیز
وضع را دشوار میسازد . کسانیکه به عنوان
پانسیونر در خانواده ای زندگی میکنند اغلب
چنین احساس میکنند که هیچ چیز آنانرا
مجبور نمیکند که نسبت به کودکان سیزبان
خود رعایت ملاحظاتی را بنمایند به سخن
دیگر فاقد احساس مسؤولیت اخلاقی هستند
و نمیدانند چه مشکلاتی برای والدین حساس
که سیزبان آنانند به وجسود میآورند زیرا
والدینی که مسؤولیت خانوادگی خود را سخت
جدی تلقی میکنند و میخواهند کودکان خود
را به نیکوترین وجه ممکن تربیت نمایند ،
رفتار پانسیونرهاییکه در خانه آنان به سر میبرند ،
ممکنست نتیجه مساعی اینگونه والدین را از
بین ببرد ... بی احتیاطی و بی قیدی پانسیونرها ،
اغلب خیلی زود ، سوجسب میشود که
کودکان سیزبان ، اطلاعاتی از رفتاری شرمانه
بزرگ سالان در زندگی معصومانه خود بسه

دست آورند . در نتیجه این همخانگی ، بعضی
از الگوهای رفتار ممکنست به گونه ای قطعی
به خود شکل گیرد که از لحاظ سن و سطح رشد
کودکان مضر است .

زندگی در یک مؤسسه برای بسیاری از
کودکان ، در جامعه نوین امروزی دنیا ، یعنی
فقدان کامل خانوادگی .

ساترلند ، تحول به سوی یک ناسازگاری
اجتماعی کودکی را که در یک مؤسسه تربیت
میشود ، چنین توصیف میکند :

« کودکی که در یک مؤسسه تربیت شود
هرگز نخواهد توانست احساسی مطبوع نسبت
به مربیان و پرستاران در خویشتن بارورسازد .

حس خیرخواهی برای دیگران که زیربنای
حس تعاون گروهی و اطاعت از قوانین است در
کودکانی میتواند رشد یابد که در خانواده
به هنجار زندگی میکنند . پیداست که کودکان
پرورشگاهی از حس خیرخواهی و تعاون بهره
چندانی نخواهند داشت . اینگونه کودکان

که خسود را تحت حمایت گروهی احساس
نمیکند فاقد اعتماد به نفس هستند ، احساس
آسنت نمیکند ، برای جبران این بی اعتمادی
دست به نافرمانی و عصیان ولجاجت و سرپیچی

در برابر اولیای اسور میزنند ، خشم و نفرت
خود را نسبت به همه چیز ابراز میدارند . « (۶)
کین برگ به بیان ساترلند اضافه میکند :

زندگی در یک مؤسسه ، خصوصیات دیگری
دربر دارد که همگی از عوامل جرمزا هستند .
این زندگی بسیار محدود و مسدود است که
در آن افراد معین ناگزیرند تماسهای روانی
مستد و مکرر با یکدیگر داشته باشند ، نفوذ
غیر مترقبه ای که یک فرد در کودک میگذارد
با نفوذهای غیر مترقبه سایر افراد خنثی
نمیگردد و حال آنکه در محیط خانوادگی عادی
که یک محیط باز محسوب میشود و برای

اطفال خروج از منزل و معاشرت با دیگران میسر است، مشکل فوق و تزییقات دیگر را دربر ندارد. شخصیت‌های جابر امکانات بیشتری دارند که اراده خود را برضعیف‌تران تحمیل کنند و این افراد را مجبور سازند که از رفتارشان تبعیت نمایند. ضعفا از سوی دیگر دستخوش هوی و هوس جابران هستند و در برابر تحقیرشان خلع سلاح میباشند به همین دلیل است که زندگی در مؤسسات رفتار ضد اجتماعی را دامن میزنند.

وضع ظاهری منزل - کم و بیش آراسته بودن منزل، دراصل، به سلیقه مادر یا پدر و یا هر دو بستگی دارد ولی به نظر میسرمد که تاحدی به درجه کثرت جمعیت آن نیز بی ارتباط نباشد جدول زیر این موضوع را تأیید میکند.

آراستگی	جمعیت کثیر	جمعیت متوسط
خوب	۲۲٪	۷۸٪
بد	۲۴٪	۷۶٪

تحقیقات آقای لافون و دوشیزه می‌شو نشان میدهد که اوضاع ظاهری منازل بزهکاران و بیماران من حیث المجموع خوب بوده است ۷۱٪ از گروه بیماران پزشکی و روانی و ۶۰٪ گروه بزهکاران، وضع داخلی منازل شان خوب بوده است و تحقیقات سرکز ووکرسون نشان میدهد که ۷۵٪ بزهکاران متعلق به خانواده‌هایی بوده‌اند که وضع ظاهرشان خوب بوده است. پس وضع آراستگی و ظاهر منزل یک عامل بزهکاری نوجوان محسوب نمیشود (۷)

ارزش مسکن - ارزش مسکن و یا به

بیان رساتر، کیفیت آن در مورد ۹۵٪ از بیماران مدیکو پسیکو لوژیک و در مورد ۸۱٪ از بزهکاران کافی بوده است ۱۷٪ از بزهکاران و ۴٪ از بیماران در خانه‌های پست و کثیف منزل داشتند از آنجا تأثیر این عامل در تهرکاری به مراتب بیش از ۴ برابر تأثیر آن در بیماری است.

این دست آورده‌های آماری، نتایجی را که پرفسور هوردر پاریس به دست آورده است تأیید میکند زیرا تحقیقات این دانشمند نامی نشان میدهد که ۱۲٪ از بزهکاران از میان منازل پست و کثیف برخاسته‌اند.

آقای لافون و دوشیزه می‌شو نوشته‌اند که عقیده عمومی براین است که «خانه پست و کثیف، عامل ناسازگاری است.» این عقیده را که به صورت یک شعار درآمده ممکنست متضمن جزئی از حقیقت باشد و یا اینکه یک پیشداوری اجتماعی است که چندان اساس تجربی ندارد اما چندان هم از حقیقت دور نیست.

طبع مسکن - تحقیقی که درباره مسکن به عمل آمده نشان میدهد که ۹۰٪ کودکان ناسازگار از خانه‌های پست و کثیف واقامتگاه جمعی برخاسته‌اند بقیه کودکان یعنی ۱۰٪ دیگر به محیط‌های خیلی فقیر تعلق داشته‌اند که در کلبه‌های چوبی یا اطاق‌های ارابه‌ای دوره‌گردها زندگی میکردند و یا کودکانی بودند که در چندین کوی که از منازل شخصی تشکیل شده سکونت داشته‌اند. فقط درسه مورد مشاهده شد که فرزندان ناسازگار از میان خانه‌های مجلل برخاسته‌اند.

شایسته است خاطر نشان شود که ناسازگاری ممکنست مربوط به مسکن جمعی و بدون باغ و باغچه باشد.

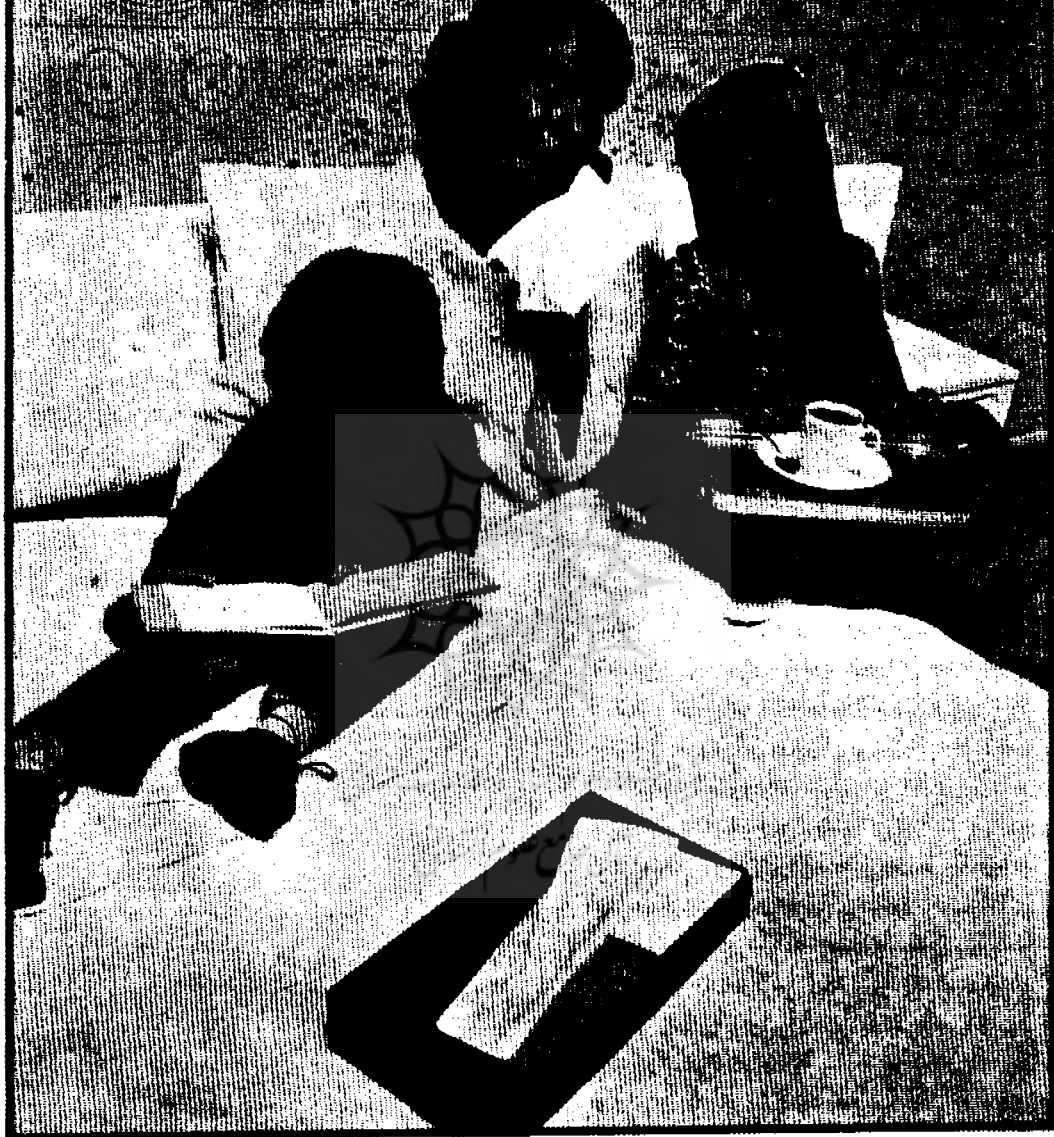
شومبار دولاو نوشت: « بناهائیکه سر

به آسمان کشیده و انبوهی از جمعیت را در ارتفاعات خود جا داده برای جوانان یک عامل مولد حالت خطرناک شده است.» و همین نویسنده افزود: «بعضی از معماران بدون توجه به شرایط زندگی خانوادگی و اخلاق اجتماعی یا طبقاتی کسانی که باید در اینگونه ساختمانها زندگی کنند منازلی برای کارگران ساخته اند که متأسفانه محیط بسیار مناسب رشد بعضی از رفتارهای زشت و ناپه‌هنجار شده است.» (۸)

در تحقیقات جرم‌شناسی خاصه در زمینه جامعه‌سنجی، نباید انتظار داشت که پژوهندگان بدون هیچگونه اختلاف به یک نتیجه ثابت برسند بلکه به عکس همیشه باید از قبول نتایج بدون اختلاف و تنوع پرهیز کرد زیرا اگر نتایج جامعه‌سنجی محققان یکی میبود جای شگفتی و ناپاوری بود از این رو که نتایج بررسی هر پژوهشگری به موازین و ملاک‌های او بستگی دارد که معمولاً این ضوابط و ملاک‌ها در همه جا و برای همه محققان یکی نیست و در ثانی به فرض اینکه معیارها و ملاک‌ها براساس توافق بین‌المللی یکسان انتخاب شود تازه صدقها و جوامع مورد بررسی یکی نیست: یکی آمریکائی، دیگری فرانسوی، و آندیکری ایرانی است؛ یکی شهری و صنعتی، دیگری روستائی و کشاورزی است؛ جمعی در مرکز سیاسی کشور یعنی پایتخت و دیگری در شهرستان دور دست و دور از جنجال سیاسی است؛ گروهی مؤمن و گرایش مذهبی دارند و گروهی دیگر بی‌دین و از خدا بی‌خبر. از سوی دیگر راست است که جامعه‌شناسی به معنای وسیع کلمه علم است ولی از علوم اجتماعی است نه از علوم دقیقه مانند ریاضی، فیزیک، شیمی و غیره. نباید انتظار داشت که در علوم

اجتماعی که در آن عوامل متغیر و پارامترهای گوناگون مؤثرند بتوان بر قانون جزئی دست یافت. اشکال دیگرکار جامعه‌سنجی این است که در بررسی تأثیر یک عامل نمیتوان از مداخله و تأثیر عوامل متغیر دیگر که همزمان با عامل مورد نظر وجود دارند جلوگیری نمود و یا لاقلاً اینگونه عوامل را ثابت نگهداشت و همین نکته منفی است که این نتیجه‌شیت را به دست داده است که «در قضاوت نباید عجله کرد.» و جامعه‌شناس مجرب آنرا به کار می‌بندد و راه محافظه‌کاری می‌پوید و مطلوب یا نامطلوب وابسته یکدیگرند و هرگز پدیده‌ای معلول عامل واحدی نیست بلکه وابسته به چند رشته عامل است و آنچه که به ظاهر علت است اسکان دارد به نوبه خود معلول علت دیگر باشد به سخن دیگر، در راه تحقیق، پژوهشگر باید به سلسله زنجیر علت دست یابد و به یاد داشته باشد که بزه‌آفرین حلقه از یک رشته حلقه‌های مربوط به هم است که حلقه‌های دور و نزدیک این زنجیر به نحوی در پیدایش و تقویت یا تضعیف‌ظهور آن تأثیر داشته‌اند. اهمیت یک جامعه‌شناس جنائی مربوط به نظر صاحب او در تشخیص مهمترین حلقه‌ها یعنی نطفه اصلی جرم و تکوین آن می‌باشد.

باین توضیح، اختلافاتی که در گزارشهای آقای لافون و دوشیزه می‌شو درباره درصد بزهکاری کودکان محلات مختلف به چشم می‌خورد باید قابل توجیه باشد. راز این اختلاف را باید در اختلاف سبک زندگی مردم این محلات جستجو کرد: زندگی مشترک در مدار بسته، اختلاط اشخاص ناپاب در گردشگاههای ساختمانها، اسکنه عمومی نزدیک، اراضی بایر در اطراف اماکن، درصد بزهکاری نوجوانان را بالا میبرد.



خلوص و صفای خانوادگی محفوظ است ،
 زندگی در یک «مدارسدوده» جریان ندارد. (۹)
 اقامتگاه خانوادگی در شکل دادن
 شخصیت بزهکار نمیتواند دور از تأثیر
 همسایگی و اطرافیان باشد پس جای تعجب
 نیست که مجموعه ساختمانهای بزرگ توجه
 جرم شناسان را به خود جلب نماید. (۱۰)

در عوض ، یک ساختمان عظیم جمعی
 بدون باغ به خوشنامی شهرت مییابد و در آن
 هیچ بزهکاری وقوع نمییابد ؛ راز آن در این
 است که سبک زندگی در آن، با محله فوق
 متفاوت است : روابط همسایگی وجود ندارد ،
 کودکان در کوچهها به بازی نمیپردازند ،
 تحت مراقبت هستند ، در معیت والدین خود
 به پارکهای نزدیک میروند والدین همیشه
 در اندیشه تربیت فرزندان خود هستند ،

لطفاً قسمت دوم را در شماره آینده مطالعه فرمائید